

## نقش احادیث امام رضا علیه السلام در منهج تفسیری علامه طباطبایی در المیزان

ابراهیم نخعی<sup>۱</sup>

دریافت : ۹۶/۲/۳۰ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۲۵

### چکیده:

وجود روایات فراوان از امام رضا(ع) در جوامع روایی و تأثیر کلامی و فقهی این روایات در نگارش متون تفسیری، ما را بر آن داشت تا در مورد نقش این روایات از نظر روش تفسیری و صبغه کلامی و فقهی در تفسیر المیزان به بحث و بررسی بپردازیم. آنچه مسلم است ورود اقوال تفسیری حضرت امام رضا(ع) در المیزان و تأثیر پرفروغ آن در جهت گیری علامه در المیزان می باشد. این مقاله با بررسی نوع روایات وارده در المیزان و همچنین کتبی که روایات امام رضا(ع) از آن اقتباس گردیده است به جمع بندی و تأثیر بخشی این روایات در پنج بخش پرداخته است. در مجموع می توان اینگونه بیان داشت که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان از روش و نوع استدلال امام رضا(ع) در ذیل آیات بهره فراوان برده است.

**کلید واژه ها:** علی بن موسی الرضا، روایات تفسیری، تفسیر المیزان، روش تفسیری

---

<sup>۱</sup> گروه قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی دانشگاه دولتی خوی، خوی، ایران (en1363@mailfa.com)

## مقدمه

تفسیر المیزان هم از لحاظ شخصیت علمی و مشرب عرفانی نویسنده آن و هم به جهت اینکه بنحو احسن از روش تفسیر قرآن به قرآن بهره برده‌اند از مهمترین و بهترین تفاسیر در میان اهل سنت و شیعه می‌باشد بگونه‌ای که یکی از محققین اهل سنت، در مورد المیزان اینگونه بیان داشته‌اند: اما این تفسیر (المیزان) از بهترین تفاسیر در عصر حاضر بود اگر در آن از شیعه گری! و از اعتزال چیزی نبود. (رومی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۴۹) یکی دیگر از امتیازات المیزان بهره‌مندی بجا و شایسته از روایات صحیحه معصومی نمی‌باشد. ایشان ۵۲۶ "بحث روایی" در ادامه متن تفسیر آورده‌اند که شامل حدوداً ۳۰۰۰ روایت می‌باشند.

ایشان در المیزان در حدود ۲۰۰ روایت از حضرت علی بن موسی الرضا(ع) آورده است. بیشترین احادیث وارده از کتاب عیون اخبار الرضا بوده که از مهمترین کتب حدیثی شیعه می‌باشد. ایشان همچنین از دیگر کتب بمانند تفسیر عیاشی، تفسیر قمی، اصول کافی، بحارالانوار بهره برده‌اند. جدول زیر میزان بهره‌مندی از روایات امام رضا(ع) در المیزان را آنهم در مبحث روایی نشان می‌دهد.

نام کتب تفسیری و حدیث	تعداد روایات وارده از حضرت امام رضا(ع)
عیون اخبار الرضا	۵۶
تفسیر عیاشی	۲۱
کافی	۱۹
تفسیر قمی	۱۳
توحید صدوق	۱۲
تفسیر البرهان	۷
مجمع البیان	۶
معانی الاخبار	۶
قرب الاسناد حمیری	۵
من لا یحضره الفقیه	۴
علل الشرایع	۴
بحارالانوار	۳
امالی صدوق	۳

۳	التهدیب
۱	خصال صدوق
۱	احتجاج طبرسی
۱	ارشاد شیخ مفید
۱	الرساله الذهبیه
۱	خرائج و جرائح
۱	نورالقلین
۱	مجالس ابن الشیخ
۱	محاسن برقی

با این توضیح که:

ایشان روایات امام رضا(ع) را از ۲۲ کتب تفسیری و حدیثی نقل نموده‌اند که در میان آنها کتاب "عیون اخبار الرضا" اهمیت فراوانی دارد و تعداد ارجاعات علامه به این کتاب بیش از سایر کتب روایی و تفسیری می‌باشد. البته تعداد روایات مندرج در جدول فوق بصورت قطعی نمی‌باشد که دلایل این امر عبارتند از:

- ۱- علامه در برخی از موارد روایات ائمه را بدون ذکر منبع آورده‌اند.
- ۲- ایشان یک روایت را از چند منبع نقل نموده‌اند و در برخی روایات این ارجاع دهی انجام شده و در برخی دیگر نه.
- ۳- برخی روایات در مبحث روایی ذکر نشده بلکه در داخل متن تفسیر، بصورت اشاری و کلی بیان گردیده‌است.
- ۴- برخی روایات در بخش‌های گوناگون المیزان تکرار شده و یا برخی از فقرات این روایات در بخش‌های گوناگون بصورت متفاوت بیان گردیده‌است.

نکته دیگر اینکه: با بررسی روایات امام رضا(ع) در تفسیر المیزان به این مطلب می‌رسیم که در حدود دو سوم یا بیشتر احادیث، صبغه کلامی داشته و بقیه احادیث فقهی و اخلاقی بوده و

یا در بیان فروع قصص انبیاء و گذشتگان می‌باشد. اگرچه تعدادی از احادیث برخی از جنبه‌های فوق را با هم دارا بوده و برخی از این احادیث در حوزه علوم قرآنی و فضیلت سوره‌ها آمده است. صبغه کلامی روایات در کتاب عیون اخبار الرضا بیشتر تجلی یافته است آنجا که مباحث توحیدی و شبهات حول عصمت انبیاء آمده است. به هر روی پنج نوع بهره‌مندی از روایات امام رضا(ع) در تفسیر المیزان وجود دارد. نوع اول مربوط است به روش تفسیر علامه در المیزان، نوع دوم مربوط است به صبغه کلامی علامه در المیزان، نوع سوم مربوط است به ورود روایات فقهی در المیزان و نوع چهارم مربوط است به استشهاد و تایید گرفتن از روایات بعد از تفسیر آیات و نوع پنجم مربوط است به بیان جزئیات و فروع قصص انبیاء و گذشتگان.

قبل از ورود به این عناوین، بهتر است یادآور شویم که علامه در برخی از موارد سند کامل روایات را آورده (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۶/ ۳۴۴؛ ۷/ ۲۸۶) و اینگونه نبوده است که ایشان در تمامی موارد به بررسی سندی و رجالی احادیث بپردازد. در نظر ایشان موافقت متنی روایات (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۸/ ۲۱۲) با آیات قرآن، اهمیت فراوانی دارد و مهمتر از بررسی سندی است.

#### ۱. تاثیر احادیث امام رضا(ع) بر منهج تفسیری علامه:

روشی که علامه در تفسیر المیزان در پیش گرفته‌اند یا به دیگر سخن روشی که باعث بروز و برجستگی این تفسیر شده است روش قرآن به قرآن می‌باشد. علامه در مقدمه تفسیر المیزان اینگونه بیان می‌دارند: خداوند قرآن را هدایت و نور و تبیینی برای هر چیز قرار داده است، پس این نور چگونه نوری است که با غیر خود، روشنی می‌یابد! و چگونه هدایتی است که بوسیله غیر، هدایت می‌یابد! (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰/ ۱) علامه در ادامه تبیین روش تفسیری خود نظر صرف فلسفی و عقلی و عرفانی را در تفسیر مردود دانسته و قرآن را بی‌نیاز از آنها می‌داند.<sup>۱</sup>

۱- (و لا یعثر المتبع الباحث فیها علی مورد واحد یستعان فیہ علی تفسیر الآیة بحجة نظریة عقلیة، و لا فرضیة علمیة. قد اجتنبنا فیها عن أن نرکن إلى حجة نظریة فلسفیة أو إلى فرضیة علمیة، أو إلى مکاشفة عرفانیة. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۱).

یعنی در نظر علامه، قرآن متولی و متکفل تبیین آیات بوده و می‌توان به آن اکتفاء نمود و مستغنی از آراء و روایات و دیگر اقوال است. اگرچه خود روایات دارای حجیت و مکانت والا می‌باشند. ایشان در ابتدای تفسیر و در مقدمه میزان به صورت کافی در مورد قرآن بسندگی در تفسیر سخن به میان آورده‌اند. ذکر این نکته بسیار لازم است که روش قرآن به قرآن در نظر علامه به معنی فهم عقلایی و ظاهری آیات می‌باشد یعنی ظاهر عبارات و آیات قرآن قابل فهم و دریافت برای همه می‌باشد ولیکن فهم اکتناهی، فهم لایه‌های معنایی آیات، تأویل و مصداق یابی برای آیات برعهده روایت و هدایت معصومی نمی‌باشد. لذا ورود روایات و تأثیر صبغه کلامی و فقهی این روایات بر روش قرآن به قرآن نافی این منهج نمی‌باشد.

مبانی و ادله فراوانی برای این روش تفسیری بیان گردیده است. مثلاً قابلیت فهم مستقل قرآن و روش تعلیمی قرآن به قرآن از جانب ائمه اطهار که برخی احادیث امام رضا(ع) از این نوعند. در برخی کتب مذکور در جدول فوق، روایاتی از امام رضا(ع) آمده است که بصورت عملی از روش قرآن به قرآن و سیاق آیات<sup>۱</sup> در تفسیر استفاده نموده‌اند. البته تجلی این روش بیشتر در کتاب عیون اخبار الرضا و مناظره امام رضا(ع) با علمای سایر ادیان بمانند جاتلیق و ابو قره می‌باشد. اگرچه صبغه روایات در اکثر کتابهای فوق کلامی است ولیکن فقه و اخلاق نیز در برخی از آنها آمده و مورد استفاده علامه قرار گرفته است. در مثال زیر به خوبی روش قرآن به قرآن و جایگاه سیاق در آیات نمود پیدا کرده است.

"ابو قره به عرض ایشان رسانید که خود خدای تعالی دیده شدن خود را در کلام خود خاطر نشان ساخته و فرموده است: "وَلَقَدْ رَأَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى". امام (ع) فرمود: این آیه دنباله‌ای دارد که معنای آن را روشن می‌سازد، و آن این است که می‌فرماید: "ما كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى" یعنی قلب و دل محمد (ص) تکذیب نکرد آنچه را که او به چشمان خود دید، "لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى" او از آیات بزرگ پروردگار خود چیزهایی دید، پس بطوری که می‌بینی دنباله آیه مورد سؤال تو مقصود از"

۱- رجوع شود به کتاب: المفسرون حیاتهم و منهجهم فی التفسیر، سید محمد علی ایازی، ۷۰۴.

(اللسیاق اثر واضح فی میزان باعتباره أحد القرائن الحالیة علی فهم الکلام، فقد اعتمده المفسر اساسا فی الكشف عن معانی الآیات و فی رد جملة من آراء المفسرین).

ما رای- آنچه را که دیده بود" بیان نموده و معلوم کرد که مقصود از آن آیات خدا بود نه خود خدا، اگر مقصود دیدن خود خدا بود معنا نداشت در جای دیگر بفرماید: "و لا یحیطون به علماً" برای اینکه وقتی چشم خدا را ببیند قهرا انسان احاطه علمی نیز به او پیدا می‌کند. ابو قره گفت: برای ما این چنین روایت شده که خدای تعالی مشاهده و کلام خود را میان دو پیغمبر تقسیم کرد، کلام خود را به موسی، و دیده شدنش را به محمد (ص) داد، امام ابوالحسن (ع) فرمود: پس آن کس که از طرف پروردگار متعال مامور شد به جن و انس ابلاغ کند که: "لا تُدْرِکُهُ الْأَبْصَارُ- دیدگان او را نمی‌بینند" و اینکه "و لا یحیطون به علماً- و احاطه علمی به او نمی‌یابند" و اینکه: "لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ- و چیزی همانند او نیست" آیا او محمد (ص) نبود؟ گفت: آری او بود. فرمود: چطور ممکن است مردی در برابر تمامی خلق برخیزد و به ایشان خبر دهد که از ناحیه خدا آمده، و مامور شده ایشان را به سوی خدا دعوت کند، آن وقت در ضمن دعوتش در معرفی خدای تعالی بگوید: "لا تُدْرِکُهُ الْأَبْصَارُ" و "لا یحیطون به علماً" و "لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ" آن وقت همین شخص به ایشان بگوید: من خدا را به دو چشم خود دیده‌ام و احاطه علمی به او یافته‌ام و او را به صورت بشری دیدم آیا شرم نمی‌کنید؟ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۲۷/۷؛ ۳۰۳/۱۴)

همانگونه که در متن بالا مشخص است توجه به صدر و ذیل آیات همان سیاق-روش تفسیر صحیح آیات را نشان می‌دهد. علاوه بر این، ایشان از دیگر آیات در مورد عدم احاطه علمی به پروردگار و عدم رؤیت پروردگار بهره برده‌اند.

## ۲- تأثیر احادیث امام رضا (ع) بر اندیشه‌های کلامی علامه:

علامه طباطبایی بعنوان یک مفسر شیعی به بهترین وجه در تفسیر آیات وارد شده‌اند. اگرچه استقلال عقلی و استدلال عقلی<sup>۱</sup> در جای جای المیزان وجود دارد ولیکن آیات، و روایات صحیحه جایگاه مؤثری را در تفسیر و تبیین آیات قرآن، دارند. یکی از این موارد احادیث ائمه اطهار در باب مسائل اعتقادی می‌باشد که در شاکله ذهنی علامه طباطبایی بسیار مؤثر بوده است. یعنی ایشان در باب معرفت شناسی، هستی شناسی، توحید، رؤیت خداوند و عصمت انبیاء و مسائلی از این دست، از روایات ائمه اطهار بسیار بهره برده‌اند علی الخصوص استفاده ایشان

۱- رجوع شود به مقاله: مبانی عقلی فهم روایات تفسیری در المیزان، نیکزاد عیسی زاده.

از روایات امام رضا(ع) در مباحث کلامی در باب رؤیت خداوند و عصمت انبیاء بسیار مشهود است. بگونه ای که مشابهت فراوان بین متن تفسیر علامه روایات امام رضا(ع) وجود دارد. همانند این عبارات در شرح عصمت پیامبر اکرم و مراد از عبارت "لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ":

از امام رضا(ع) نقل شده است: وقتی خدای تعالی مکه را برای پیامبرش فتح می‌کند، می‌فرماید: "إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ" یعنی ما این فتح آشکار را برایت کردیم، تا تبعات و آثار سوئی را که دعوت گذشته و آینده‌ات در نظر مشرکین دارد از بین ببریم تا دیگر درصدد آزارت برنیایند" و همین طور هم شد، بعد از فتح مکه عده‌ای مسلمان شدند، و بعضی از مکه فرار کردند، آنهایی هم که ماندند قدرت بر انکار توحید نداشتند، و با دعوت مردم آن را می‌پذیرفتند. پس با فتح مکه گناهایی که رسول خدا (ص) نزد مشرکین داشت آمرزیده شد، یعنی دیگر نتوانستند دست از پا خطا کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۸/۴۰۵).

متن فوق که روایتی از امام رضا(ع) می‌باشد با بیان و نگارش علامه در ابتدای سوره تطبیق داده و مشابهت فراوان بین این دو متن را می‌بینیم:

اما خدای سبحان با فتح مکه و یا فتح حدیبیه که آن نیز منتهی به فتح مکه شد، شوکت و نیروی قریش را از آنان گرفت، و در نتیجه گناهایی که رسول خدا (ص) در نظر مشرکین داشت پوشانید، و آن جناب را از شر قریش ایمنی داد. پس مراد از کلمه "ذنب" - و خدا داناتر است - تبعات بد، و آثار خطرناکی است که دعوت آن جناب از ناحیه کفار و مشرکین به بار می‌آورد، و این آثار از نظر لغت ذنب است، ذنبی است که در نظر کفار وی را در برابر آن مستحق عقوبت می‌ساخت. (همان، ج ۱۸، ۳۸۲)

به دیگر سخن علامه از پاسخ‌های امام رضا(ع) در برابر شبهات مربوط به عصمت انبیاء الهی بسیار بهره برده است. بیشتر این دسته روایات در کتاب عیون اخبار الرضا آمده‌است که امام رضا(ع) در مورد عصمت حضرت آدم، حضرت ابراهیم، حضرت یوسف، حضرت موسی، حضرت داوود،

حضرت یونس و پیامبر اکرم(ص) به طور مفصل پاسخ گفته‌اند. از روایات کلامی در میزان می توان بموارد زیر اشاره نمود.

در مورد خدا شناسی و مذاهب سه گانه: یعنی نفی، تشبیه، اثبات بغیر تشبیه: (همان، ج ۷، ۵۵)

در مورد معنی بسم الله و اسم اعظم الهی: (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱/۳۶)

در مورد توحید و احدیت پروردگار و رد تثلیث: (همان، ۱/۶۱۶) و (همان، ۷/۳۶۳) و (همان، ۶/۵۶)

(همان، ۸/۳۳۹)

در مورد کیفیت تعلق اراده الهی بر افعال انسانها و جبر و تفویض و مسائلی از این دست: (همان، ۸/۱۵۳ و ۱۵۸)

در مورد عصمت حضرت آدم: (همان، ۱/۲۱۹)

در مورد عصمت حضرت ابراهیم: (همان، ۷/۲۸۷)

در مورد عصمت حضرت یوسف: (همان، ۱۱/۲۲۷)

در مورد عصمت حضرت موسی: (همان، ۱۶/۲۹)

در مورد عصمت حضرت داوود: (همان، ۱۷/۳۰۳)

در مورد عصمت حضرت یونس: (همان، ۱۴/۴۴۹)

در مورد عصمت پیامبر اکرم: (همان، ۹/۵۵۴) و (همان، ۱۳/۲۴۵) و (همان، ۱۶۱۶/۴۸۸) و

(همان، ۱۸/۴۰۴)

در مورد عصمت ملائکه: (همان، ۱۴/۳۹۵)

در مورد ولایت حضرت علی(ع) و نحوه اثبات آن در آیه مباحله: (همان، ۳/۳۶۳)

در مورد ولایت حضرت علی(ع) در آیه اکمال دین: (همان، ۵/۳۲۲)

در مورد آیه تطهیر و اهل بیت علیهم السلام: (همان، ۱۶/۴۶۵)

### ۳- ورود احادیث فقهی در تفسیر میزان :

اگرچه میزان مباحث فقهی را بطور وسیع دربر ندارد اما در حد امکان به آیات الاحکام و مباحث اختلافی در این آیات پرداخته است.<sup>۱</sup> یکی از علل اختصار در توضیح آیات مربوط به

۱- توجه شود به بیان علامه در میزان: (وَأَمَّا آيَاتُ الْاَحْكَامِ، فَقَدْ اجْتَنَبْنَا تَفْصِيلَ الْبَيَانِ فِيهَا لِرُجُوعِ ذَلِكَ إِلَى



احکام شرعی، تحوّل عظیم مباحث فقهی است و این دگرگونی باعث می‌شود که بحث در این آیات مشابه مباحث استطرادی و خارج از تفسیر باشد. بویژه آنکه منابع احکام در احادیث زیاد بوده و آنچه در قرآن آمده صرفاً بیان حکم اساسی است و احادیث شریف متعرض فروع و قیود و حالت‌های گوناگون احکام می‌باشند. (الاوسی، ۱۳۸۱، ۳۲۷)

ولیکن علامه در حد امکان از روایات فقهی در تبیین منطوق و مفهوم آیات استفاده نموده‌اند گاه بصورت تاییدی و استشهادی و گاه بصورت اعتضادی. بعنوان مثال به مواردی از این دست اشاره می‌کنیم .

از آن جناب نقل شده است که می‌فرمود "غنا" از آن گناهانی است که خدا وعده آتش به مرتکبش داده، آن گاه این آیه را خواند: "وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ". (همان، ۱۶/۳۱۷)

و در مورد احکام نکاح: (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲/۳۲۵) و (همان، ۴/۴۵۸) و (همان، ۱۰/۵۲۰)

در مورد احکام طلاق: (همان، ۲/۳۷۸) و (همان، ۲/۳۸۴)

در مورد احکام ربا: (همان، ۲/۶۵۲)

در مورد احکام ذبح و گوشت‌های حرام: (همان، ۴/۳۰۸)

در مورد انفاق و زکات: (همان، ۷/۵۰۸)

#### ۴- استشهاد و تایید گرفتن بر تفسیر آیه:

تفسیر المیزان روایات تفسیری را در بخش "بحث روایی" در ذیل هر باب آورده است و لیکن در برخی موارد دیده می‌شود که برخی از روایات در داخل متن بعنوان شاهد و تاییدی بر روش تفسیری آورده شده‌است. عبارت "هذا یؤید ما قدمناه" و مشابه این عبارت در تفسیر المیزان فراوان آمده است. در مورد احادیث کلامی، فقهی و اخلاقی امام رضا علیه السلام نیز، اینچنین بوده و علامه طباطبایی بعنوان تایید و استشهاد از این روایات در متن و یا در "بحث روایی" استفاده نموده است.

بمانند این عبارات در تفسیر المیزان که علامه طباطبایی بعد از بیان روایت امام رضا(ع) در مورد عصمت حضرت ابراهیم(ع) آن را موافق روش و تفسیر خویش دانسته و تاییدی بر آن می داند: "این روایت به طوری که می بینید عده ای از اموری را که ما از سیاق آیات مورد بحث استفاده کردیم تایید می کند، و به زودی روایات دیگری که استفاده های ما را تایید می نماید نقل خواهیم نمود. و اینکه در این روایت داشت که جمله " هذا رَجِيٌّ " بر سیل استخبار و انکار بوده نه بر سیل اخبار و اقرار، یکی از وجوهی است که در تفسیر آیه به آن اشاره شد، و امام (ع) آن را برای قطع حجت مامون ایراد کرد و منافات با سایر وجوهی که در باره معنای آن گفته شده و به زودی خواهد آمد، ندارد. و همچنین اینکه فرمود: " زیرا غروب از صفات موجود حادث است، نه قدیم " دلیل بر این نیست که نقطه اتکاء در حجت ابراهیم مساله افول بوده تا منافات با احتمال ما داشته باشد، زیرا ممکن است نقطه اتکاء حجت مساله عدم حب بوده و افول به عنوان ملاک عدم حب، ذکر شده باشد- دقت فرمائید. (همان، ۷/ ۲۸۷)

#### ۵- تبیین فروع و جزئیات قصص انبیاء و گذشتگان:

یکی دیگر از مواردی که علامه طباطبایی از روایات حضرت علی بن موسی الرضا بهره برده اند در مورد قصص انبیاء و بیان فروع و جزئیات زندگی ایشان و اقوام گذشته می باشد. که به برخی از این موارد اشاره داریم:

ماجرای کشتن گاو در قوم بنی اسرائیل:

امام رضا(ع) فرمود: مردی از بنی اسرائیل یکی از بستگان خود را بکشت، و جسد او را برداشته در سر راه وارسته ترین اسباط بنی اسرائیل انداخت، و بعد خودش بخونخواهی او برخاست. بموسی (ع) گفتند: که سبط آل فلان، فلانی را کشته اند، خبر بده ببینیم چه کسی او را کشته؟ موسی (ع) فرمود: بقره ای برایم بیاورید، تا بگویم: آن شخص کیست، گفتند: مگر ما را مسخره کرده ای؟ فرمود: پناه می برم بخدا از این که از جاهلان باشم، و اگر بنی اسرائیل از میانهمه گاوها، یک گاو آورده بودند، کافی بود، و لکن خودشان بر خود سخت گرفتند، و آن قدر از خصوصیات آن گاو پرسیدند، که دایره آن را بر خود تنگ کردند، خدا هم بر آنان تنگ گرفت..... (همان، ۱۱/ ۳۰۹)

و ماجرای حضرت نوح: (همان، ۱۰/ ۳۶۷)

ماجرای اصحاب رس و عذاب آنها: (همان، ۱۵ / ۳۰۲)

ماجرای رای هاروت و ماروت: (همان، ۱ / ۳۵۷)

ماجرای بلعم بن باعورا: (همان، ۸ / ۴۴۰)

و در مورد یاران حضرت عیسی (ع): (همان، ۳ / ۳۴۰)

و داستان زندگی حضرت فاطمه: (همان، ۱۱ / ۵۰۳)

علاوه بر دسته بندی روایات فوق بر پنج قسم و استفاده علامه از این نوع روایات، دسته دیگری از روایات نیز وجود دارد با عنوان روایات اخلاقی و یا روایات مرتبط با سنن النبی و یا روایات مرتبط با فضیلت سوره‌ها و برخی علوم قرآنی که به خاطر اندک بودن این روایات، در این دسته بندی‌ها وارد نشده‌اند.

### نتیجه گیری

تفسیر المیزان هم در بخش "بحث روایی" و هم در داخل متن تفسیر از روایات ائمه اطهار بهره برده‌است. اگرچه بیشتر روایات در "بحث روایی" وارد شده و بقیه بعنوان استشهاد و تأیید در داخل متن آمده است. بهرحال روایات در تفسیر المیزان جایگاه فراوانی داشته است. در میان این روایات، اقوال و احادیث امام رضا(ع) نیز جایگاه برجسته‌ای دارد و علامه طباطبایی در حدود ۲۰۰ بار از این روایات بهره برده‌اند. تأثیرپذیری کلامی و فقهی از روایات امام رضا(ع) نیز در المیزان بسیار مشهود است. در مجموع پنج نوع بهره‌مندی از روایات امام رضا(ع) در المیزان وجود داشته که تأثیر گذار در منهج تفسیری المیزان، صبغه فقهی و کلامی المیزان، جامعیت روایی المیزان و نوع تبیین قصص و علوم قرآنی بوده است. به هرحال رنگ غالب روایات و نوع بهره‌مندی علامه از این روایات در حوزه کلام و اعتقادات تشیع می باشد.

### منابع

- قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند؛ تهران؛ دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی؛ ۱۳۷۳ ش.
- الاسوسی، علی، روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ترجمه سید حسین میر جلیلی، چاپ اول، تهران، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۱.
- ایازی، سید محمد علی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۳.

رومی، سلیمان فهد، اتجاهات التفسیر فی القرآن الرابع عشر، چاپ اول، وزارة الثقافة المملكة العربية السعودية، ۱۴۰۷ق.

خالد برقی، احمد بن محمد، محاسن، چاپ اول، قم، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، چاپ اول، قم، مؤسسه آل بیت - قم، ۱۴۱۳ ق.

شیخ صدوق؛ محمد بن علی، أمالی، چاپ پنجم، بیروت؛ اعلمی؛ ۱۴۰۰ ق.

شیخ صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، چاپ اول، قم؛ انتشارات جامعه مدرسین؛ ۱۴۰۳ ق.

شیخ صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، چاپ اول، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.

شیخ صدوق، محمد بن علی، توحید، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.

شیخ صدوق، محمد بن علی، خصال، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.

شیخ صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، چاپ اول، قم، داوری، بی تا.

شیخ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، چاپ دوم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.

شیخ مفید، محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید،

۱۴۱۳ق.

طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی؛ چاپ پنجم، قم؛

دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ ۱۳۷۴.

طبرسی، احمد بن علی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران؛ انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.

طبرسی، احمد بن علی؛ الاحتجاج، چاپ اول، مشهد؛ مرتضی؛ ۱۴۰۳ق.

طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، سوم، تهران، انتشارات کتب اسلامی، ۱۳۹۰ق.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه؛ تفسیر نورالثقلین، چاپ چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان؛

۱۴۱۵ق.

عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران، چاپ خانه علمیه، ۱۳۸۰ش.

عیسی زاده، نیکزاد، مبانی عقلی فهم روایات تفسیری در المیزان، حوزه و دانشگاه، سال دهم،

شماره ۳۹، تابستان ۱۳۸۳.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، چاپ اول، تهران؛ کتاب فروشی علمیه اسلامی؛ بی تا.

قطب راوندی، خرائج و جرائع، چاپ اول، قم، مدرسه امام مهدی (ع)، ۱۴۰۹ق.

قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر قمی، چاپ چهارم، قم؛ دارالکتاب؛ ۱۳۶۷ ش .  
مجلسی، محمد باقر، بحارالانوارالجامعه لدرراخبارالائمہ الأطهار، چاپ مکرر، تهران؛ اسلامیه،  
۱۳۷۳ ش.